

بديهي صحنه جي ڌار



✎ Ursula Nafula

👤 Jesse Pieterse

📄 Marzieh Mohammadian Haghighi!

|| 2

🗨️ فارسي Fa



Global Storybooks

globalstorybooks.net

بديهي صحنه جي ڌار

✎ Ursula Nafula

👤 Jesse Pieterse

📄 Marzieh Mohammadian Haghighi!



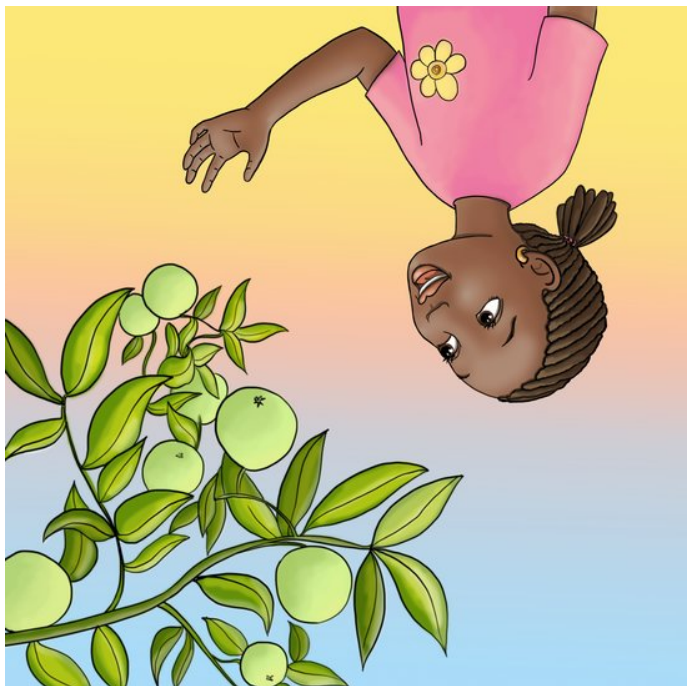
This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





این کلاهی است. او هفت ساله است. در
زبان لوباکوسو که زبان او می باشد معنای
اسمش - دختر خوب - است.

ههته بونجی ره شهساره کی پریقال
 هه به کی شهساره شهساره پریقال
 پریقال شهساره شهساره پریقال
 شهساره شهساره شهساره شهساره



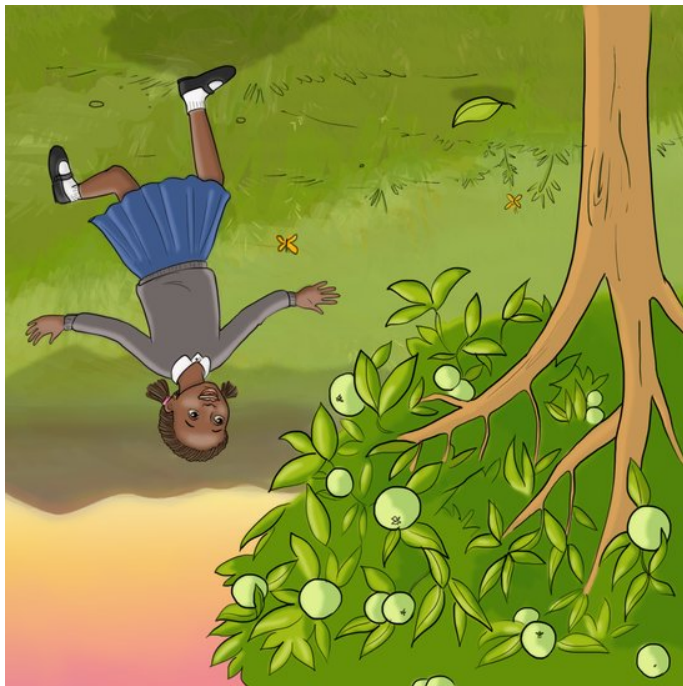


کلای تا مدرسه راه می‌رود. در راه با علف
ها صحبت می‌کند. علف‌ها، لطفاً بیشتر
رشد کنید و سبز شوید و خشک نشوید.



کلای آهی کشید و گفت، “پرتقال‌ها هنوز
سبز هستند.” کلای گفت، “فردا تو را
خواهم دید درخت پرتقال.” “شاید بعد
تویک پرتقال رسیده برای من داشته
باشی!”

وقتی کلاهی از مدرسه به خانه برگشت،
 درخت تریقال را دید. کلاهی پرسید، “آیا
 تریقال هایت هنوز نرسیده؟”



کلاهی از کنارِ هلی وحشی را می‌شنود.
 کلاهی وحشی اطفاً، مَرْتَبِ شُكُوفِه پَرِنْدِه كَه
 مَن پَتَوَانَم شَمَل را در موهایم قِرار دَهَم.





در مدرسه، کلاهی با درختی که در وسط
 حیاط بود صحبت کرد. “درخت لطفاً، شاخه
 های بزرگ برویان تا ما بتوانیم زیر سایه
 تو درس بخوانیم.”



کلاهی با حصارِ اطرافِ مدرسه صحبت
 می کند. “لطفاً محکم و قوی رشد کن و
 جلوی وارد شدنِ افرادِ بد را بگیر.”